

مشروطه با عینک لاک

جدال داود فیرحی و جواد طباطبایی بر سر میرزای نائینی



مهدی قفایی، نماینده مجلس شورای اسلامی، دانشگاه تهران

نظری میرزای نائینی داشت و همین تکرر، یکی از بسترهای اختلاف کفّری او با استادش مرحوم جواد طباطبایی شد.

خوآن مرحوم دکتر داود فیرحی، استاد اندیشه سیاسی دانشگاه تهران، از میرزای نائینی یکی از بدیع‌ترین خویشان هانی است که در دوران معاصر صورت گرفته است و همین بدیع بودن، باب انتقادات برخی از پژوهشگران دیگر همچون جواد طباطبایی به خویش‌پسند فیرحی را باز کرده است. طباطبایی معتقد است فیرحی نائینی را با عینک جلا لاک خوانده است و او را چوپروایی یافته است که در اساس در نائینی نیست. او در جایی آورده است: «یکی از ایرادهای اساسی شیوه تحقیق فیرحی نیمه‌علمی است که او در اندیشه اروپایی و علم دوره اسلامی دارد و با گذار از یک نظام به دیگری، انتقادی نیست و دو مبنای متفاوت ایجاد می‌کند نه از اروپایی است، بلکه «ایرانی»! مهم‌ترین اسامی این خلط محبت ازسرن برانجه گذشت، تصور یا نه‌فهمی است که او از انگشتان و چکان لاک دارد.»

طباطبایی سپس با عبارتی عنایک‌داده که عفوخواه خود را خیال خوش چان لاک می‌نواند مبالغه فهم میرزای نائینی شود» اگرچه فیرحی این توان منفکری دانست که بعداً قنق تبعیج نرم در سبک تفکر شیعه و با به تعبیر طباطبایی شناسختن از غریب «نیمه علمی» باشد، اما توان نماند تلاش او در جهت ترسیم چهرهای متجدد از نائینی را نادیده گرفت. فیرحی در مقدمه «آستانه تنجده» نائینی

را دانشمندانی بی‌لایزال

معرفی این سربسته را به زعم او، «نائینی از آستانه دانشمندان تازه‌جوشی است که در تلاش برای پیوند سنت فقهانی با موضوع جدید و دشواری چون تجدد، دموکراسی و دولت مدرن است.»[۱] فیرحی در طول متن «دین و دموکراسی» و به طور کلی دین و دولت مدرن» دانسته

و برای ارائه افروتنی دموکراتیک از نائینی، حتی جزئی تر بین

عبارت نائینی را تفسیر دموکراتیک

مورد خویش قرار داده و حتی بعضاً نائینی را دارای فلسفه تاریخی فعل‌الای امری می‌کند که از فضا یا برداشت هکلی از تاریخ نقایط دارد. به عنوان مثال، نائینی در ابتدای «منیبه‌العه» که بر این عبارت نگاشته است، کاربرد لفظ «تاریخ اروپا» و نیز نائینی را دل بر اعتقاد او به برداشتی متمکن‌تر از تاریخ-اجتماعی به اسلوبی فوکویی، نهاده و آورده است: «نائینی از «تاریخ‌های جهان» سخن می‌گوید و نه «تاریخ جهان»، چنین نگاهی از کلی‌نگری بی‌فایده فاصله میگیرد و لایجر از الزامات معرفی آن نیز می‌گریزد. برعکس، بر تئوع تاریک‌ها نظردارد و به تاریخ اختصاصی هر یک در تمدن‌های جهان می‌اندیشد. روشن است که چنین دیدگاهی به تحریف نائینی از نائینی است و نه پیوستاری کلی به یسکرت یا انحطاط. با بگفته تمایز، تکرر و خاص بودن تاریخ‌ها نظردارد اینکه آیا بگفته تاریخ‌ها نظردارد یا به فلسفه تاریخ‌ها نظردارد.

فیرحی خارج از معیار قوف نشان اثر دارد و به تجربه به لحاظ روش‌شناختی خوانشش نائینی به فلسفه طباطبایی در پی پیش گرفته است که به قیاس اثر فیرحی، از جمله «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام»، وادار نگردد فوکویی به میراث فکری ایران دوره اسلامی است.[۲] البته این درگیری که در کتاب «تاریخ‌شناسی اندیش سیاسی در تمدن اسلامی» نگاشته، در دوران دبیرستانش از تاریخ است و نه نگاه او، دانش‌های سیاسی در دوران دبیره‌ستانی از ارزش‌ها و پرسش‌های سیاسی‌ای که شوند و نه‌سعی می‌یابند. همین دایره مفاهیمی است که مختصات هندسی دانش‌های سیاسی را تعیین می‌کند و می‌سازد، و وی سپس ادامه می‌دهد: «لایزم این دیدگاه پذیرش تنوع اندیشه‌ها و روش‌شناسی اندیشه‌ها سیاسی به زمان و مکان است و آنچه که نظام ارزشی ویژه‌ای در زمان و مکان تأسیس شد و شروع به کار نمود، ندهادهای سیاسی‌ای نیز برای توسعه و حمایت از آنها جعل و اختراع می‌شوند.»

به عنوان رزیدیه که در نگاه طباطبایی تاریخ اسلام تا امروز، جلا کلا مانع فهم میرزای نائینی توسط فیرحی است که همو این گزینش به نائینی از پشت عینک جلا لاک در علاقه پژوهشی ساهل‌های اخیر فیرحی بود، به یاد افتادگر گرفته و آنجا که به تاریخ‌های ایران باستان با فلسفه لاک قفسه لاک و آستانه طباطبایی جدید بایدان را می‌بنا خوانده است. فیرحی در کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» بخشی را به «جریان قدرت در مشروطه شیعه» اختصاص داده و در آنجا تأکید دارد که نظام مشروطه شیعه هرگز از بالا به پایین، بسته و اقتداری نیست، بلکه خلعت مردم‌سالارانه دارد. در نگاه فیرحی، اندیشمند مشروطه شیعه «الزام به بیان مردم‌سالار» دارند و کوشش کردند با حضور ولای مجتهدان در قوه قضیه بدین «محض دموکراتیک بخشد». فیرحی در شرح این روش‌های «تبعی و بی‌طرف» نیز از لفظ «انتخاب» در فرآیند تعیین پنج مجتهد قرار اول به عنوان حیأت نظام مجلس نامیدگان دارد.

دشواری‌های فیرحی

فیرحی تلاش برای واری برای دموکراتیک جلودان اندیشه سیاسی شیعه در عصر مشروطه دارد، اما دشواری‌ها را از او اجابت است که مفهوم مشروطیت، خود در اصل مشروط کردن سلطنت بود و در بیان بهتر دموکراتیک جدیدی از حکمرانی است که به میراث سلطنت استوار است و همین ماهیت دوگانه آن در مییان قدیم و

قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام

چپه سال‌نئینی نیز بر اساس ملازمه‌های عرفی سلطنت را در عنوان بخشی از نگاه شیعه مورد آورده بود. به زعم فیرحی ملازمه‌های قافیه و کونوسی، عقلی و حتی دلالت لفظی است. در عرف سیاسی قدیم نوعی کلام میان طبیعت و شهرواری و دین وجود داشته است، و حتی پا را از این فراتر نهاده و معتقد به «خلاف شاه و شاه» در انقلاب مشروطه، و جایگزینی عدلیت و محکمرانی می‌د.

نوعی ملازمه مرست است نه ملازمه‌های نظری و شرعی. «بااین‌بارن چه پس‌نائینی نیز بر اساس ملازمه‌های عرفی سلطنت را در عنوان بخشی از نگاه شیعه مورد آورده بود. به زعم فیرحی ملازمه‌های قافیه و کونوسی، عقلی و حتی دلالت لفظی است. در عرف سیاسی قدیم نوعی کلام میان طبیعت و شهرواری و دین وجود داشته است، و حتی پا را از این فراتر نهاده و معتقد به «خلاف شاه و شاه» در انقلاب مشروطه، و جایگزینی عدلیت و محکمرانی می‌د.

نوعی ملازمه مرست است نه ملازمه‌های نظری و شرعی. «بااین‌بارن چه پس‌نائینی نیز بر اساس ملازمه‌های عرفی سلطنت را در عنوان بخشی از نگاه شیعه مورد آورده بود. به زعم فیرحی ملازمه‌های قافیه و کونوسی، عقلی و حتی دلالت لفظی است. در عرف سیاسی قدیم نوعی کلام میان طبیعت و شهرواری و دین وجود داشته است، و حتی پا را از این فراتر نهاده و معتقد به «خلاف شاه و شاه» در انقلاب مشروطه، و جایگزینی عدلیت و محکمرانی می‌د.

استادش شیوه را به سلطنت مطلقه اوپویند داشت و این به عنوان مشروعیت آن نیست. فیرحی در مباحث اخیر خود شخصیت نائینی را «با چان لاک قفایسه» می‌داند و در تعبیری مشهور مشروطیت را از روش‌شناسی لاک در فهم مفهوم مشروطیت و جامعه لیریل دند

که در آن بر اساس نکره انتمیسم علمی، لاک به بنیادی‌دگرگرنانه

با دنیوپویدالیستی را

جامعه‌سیاسی رسیده

بود و افکار یا ندهای

اجتماعی را د بنیاد

مشروعیت حکومت به

پیوند سنت فقهانی با

موضوع جدید و دشواری

چون تجدد، دموکراسی

و دولت مدرن است.»[۱]

فیرحی در طول متن

«دین و دموکراسی» و

به طور کلی دین و

دولت مدرن» دانسته

و برای ارائه افروتنی

دموکراتیک از نائینی،

حتی جزئی تر بین

عبارت نائینی را تفسیر

دموکراتیک

مورد خویش قرار داده و

حتی بعضاً نائینی را دارای

فلسفه تاریخی فعل‌الای

امری می‌کند که از فضا یا

برداشت هکلی از تاریخ نقایط

دارد. به عنوان مثال، نائینی

در ابتدای «منیبه‌العه» که بر

این عبارت نگاشته است، کاربرد

لفظ «تاریخ اروپا» و نیز نائینی

را دل بر اعتقاد او به برداشتی

تمکن‌تر از تاریخ-اجتماعی به

اسلوبی فوکویی، نهاده و آورده

است: «نائینی از «تاریخ‌های جهان»

سخن می‌گوید و نه «تاریخ جهان»،

چنین نگاهی از کلی‌نگری

بی‌فایده فاصله میگیرد و لایجر

از الزامات معرفی آن نیز می‌گریزد.

برعکس، بر تئوع تاریک‌ها نظردارد

و به تاریخ اختصاصی هر یک

در تمدن‌های جهان می‌اندیشد.

روشن است که چنین دیدگاهی

به تحریف نائینی از نائینی است

و نه پیوستاری کلی به یسکرت

یا انحطاط. با بگفته تمایز، تکرر

و خاص بودن تاریخ‌ها نظردارد

اینکه آیا بگفته تاریخ‌ها نظردارد

یا به فلسفه تاریخ‌ها نظردارد.

فیرحی خارج از معیار قوف نشان

اثر دارد و به تجربه به لحاظ

روش‌شناختی خوانشش نائینی

به فلسفه طباطبایی در پی

پیش گرفته است که به قیاس

اثر فیرحی، از جمله «قدرت، دانش

و مشروعیت در اسلام»، وادار

نگردد فوکویی به میراث فکری

ایران دوره اسلامی است.[۲]

البته این درگیری که در کتاب

«تاریخ‌شناسی اندیش سیاسی

در تمدن اسلامی» نگاشته،

در دوران دبیرستانش از تاریخ

است و نه نگاه او، دانش‌های

سیاسی‌ای که شوند و نه‌سعی

می‌یابند. همین دایره مفاهیمی

است که مختصات هندسی

دانش‌های سیاسی را تعیین

می‌کند و می‌سازد، و وی

سپس ادامه می‌دهد: «لایزم

این دیدگاه پذیرش تنوع

اندیشه‌ها و روش‌شناسی

اندیشه‌ها سیاسی به زمان

و مکان است و آنچه که

نظام ارزشی ویژه‌ای در زمان

و مکان تأسیس شد و شروع

به عنوان رزیدیه که در نگاه

طباطبایی تاریخ اسلام تا امروز،

جلا کلا مانع فهم میرزای نائینی

توسط فیرحی است که همو این

گزینش به نائینی از پشت عینک

جلا لاک در علاقه پژوهشی

ساهل‌های اخیر فیرحی بود، به

یاد افتادگر گرفته و آنجا که

به تاریخ‌های ایران باستان با

فلسفه لاک قفسه لاک و آستانه

طباطبایی جدید بایدان را می‌بنا

خوانده است. فیرحی در کتاب

«نظام سیاسی و دولت در اسلام»

بخشی را به «جریان قدرت در

مشروطه شیعه» اختصاص داده

و در آنجا تأکید دارد که نظام

مشروطه شیعه هرگز از بالا به

پایین، بسته و اقتداری نیست،

بلکه خلعت مردم‌سالارانه دارد.

در نگاه فیرحی، اندیشمند

مشروطه شیعه «الزام به بیان

مردم‌سالار» دارند و کوشش

کردند با حضور ولای مجتهدان

در قوه قضیه بدین «محض

دموکراتیک بخشد». فیرحی در

شرح این روش‌های «تبعی و

بی‌طرف» نیز از لفظ «انتخاب»

در فرآیند تعیین پنج مجتهد

قرار اول به عنوان حیأت نظام

مجلس نامیدگان دارد.

فیرحی تلاش برای واری برای

دموکراتیک جلودان اندیشه

سیاهی شیعه در عصر مشروطه

دارد، اما دشواری‌ها را از او

اجابت است که مفهوم

مشروطیت، خود در اصل

مشروط کردن سلطنت بود و

در بیان بهتر دموکراتیک

جدیدیی از حکمرانی است که

به میراث سلطنت استوار است

و همین ماهیت دوگانه آن در

مییان قدیم و

دولت مدرن» دانسته

و برای ارائه افروتنی

دموکراتیک از نائینی،

حتی جزئی تر بین

عبارت نائینی را تفسیر

دموکراتیک

مورد خویش قرار داده و

حتی بعضاً نائینی را دارای

فلسفه تاریخی فعل‌الای

امری می‌کند که از فضا یا

برداشت هکلی از تاریخ نقایط

دارد. به عنوان مثال، نائینی

در ابتدای «منیبه‌العه» که بر

این عبارت نگاشته است، کاربرد

لفظ «تاریخ اروپا» و نیز نائینی

را دل بر اعتقاد او به برداشتی

تمکن‌تر از تاریخ-اجتماعی به

اسلوبی فوکویی، نهاده و آورده

است: «نائینی از «تاریخ‌های جهان»

سخن می‌گوید و نه «تاریخ جهان»،

چنین نگاهی از کلی‌نگری

بی‌فایده فاصله میگیرد و لایجر

از الزامات معرفی آن نیز می‌گریزد.

برعکس، بر تئوع تاریک‌ها نظردارد

و به تاریخ اختصاصی هر یک

در تمدن‌های جهان می‌اندیشد.

روشن است که چنین دیدگاهی

به تحریف نائینی از نائینی است

و نه پیوستاری کلی به یسکرت

یا انحطاط. با بگفته تمایز، تکرر

و خاص بودن تاریخ‌ها نظردارد

اینکه آیا بگفته تاریخ‌ها نظردارد

یا به فلسفه تاریخ‌ها نظردارد.

فیرحی خارج از معیار قوف نشان

اثر دارد و به تجربه به لحاظ

روش‌شناختی خوانشش نائینی

به فلسفه طباطبایی در پی

پیش گرفته است که به قیاس

اثر فیرحی، از جمله «قدرت، دانش

و مشروعیت در اسلام»، وادار

نگردد فوکویی به میراث فکری

ایران دوره اسلامی است.[۲]

البته این درگیری که در کتاب

«تاریخ‌شناسی اندیش سیاسی

در تمدن اسلامی» نگاشته،

در دوران دبیرستانش از تاریخ

است و نه نگاه او، دانش‌های

سیاسی‌ای که شوند و نه‌سعی

می‌یابند. همین دایره مفاهیمی

است که مختصات هندسی

دانش‌های سیاسی را تعیین

می‌کند و می‌سازد، و وی

سپس ادامه می‌دهد: «لایزم

این دیدگاه پذیرش تنوع

اندیشه‌ها و روش‌شناسی

اندیشه‌ها سیاسی به زمان

و مکان است و آنچه که

نظام ارزشی ویژه‌ای در زمان

و مکان تأسیس شد و شروع

به عنوان رزیدیه که در نگاه

طباطبایی تاریخ اسلام تا امروز،

جلا کلا مانع فهم میرزای نائینی

توسط فیرحی است که همو این

گزینش به نائینی از پشت عینک

جلا لاک در علاقه پژوهشی



کرده‌اند، به‌این‌ترتیب شش نظریه اصلی در تفکر سیاسی اسلام معرفی و تحلیل می‌شود که از خلافت‌های اولین تا دوران معاصر را بر می‌گیرد. کتاب همچنین به تفصیل نشان می‌دهد چگونه هرکتب فکری، با شیوه خاص تفسیر نصوص دینی، به برداشت ویژه‌ای از دولت اسلامی دست یافته است. ویزای از دولت اسلامی عامل اصلی تنوع مؤلفان یا طرح این پرسش که چرا عقلاّبت اسلامی ایران اختصاص یافته است، در این بخش با بررسی نسبت میان ولایت فقیه، جمهوریت و فقه شیعه، تلاشی می‌شود برای فهم گذشته و نتیجه روشن‌سازی وضعیت ایران و جهان اسلام آغاز می‌کند. کتاب رساله دکتری مرحوم فیرحی است و چاپ آن سال ۱۳۷۸ توسط نشر می‌منتشر شد.

نویسنده بر آن است که تفکر سیاسی امروز، در زمانی که هنوز اسلام سنتی است که در زمانی میانه اسلام پدید آمد و تا امروز به تفکر سیاسی در ذهن و عمل ما سایه محاسن است. بنابراین نقد انتخاّبت، ماهیت سیاسی معاصر جز عبارت بهتر و مطابق با رای فقهی کلاسیک شیعه از برای جارتبت کی حکومت‌های عصر عیبت می‌داد و در تعبیری مشهور مشروطیت را از روش‌شناسی می‌گرد که اگرچه دستان خواندگو، در نگاه آن راکشته، اما ساهی این دستان و اهداف باقی است. در نگاه نائینی مشروطیت نه از این باب که دستان شاه دیگران بوده به عنوان استفاده شد، بر سلطنت مطلقه اوپویند داشت و این به عنوان مشروعیت آن نیست. فیرحی در مباحث اخیر خود شخصیت نائینی را «با چان لاک قفایسه» می‌داند و در تعبیری مشهور مشروطیت را از روش‌شناسی لاک در فهم مفهوم مشروطیت و جامعه لیریل دند

که در آن بر اساس نکره انتمیسم علمی، لاک به بنیادی‌دگرگرنانه با دنیوپویدالیستی را جامعه‌سیاسی رسیده بود و افکار یا ندهای اجتماعی را د بنیاد مشروعیت حکومت به پیوند سنت فقهانی با موضوع جدید و دشواری چون تجدد، دموکراسی و دولت مدرن است.»[۱] فیرحی در طول متن «دین و دموکراسی» و به طور کلی دین و دولت مدرن» دانسته و برای ارائه افروتنی دموکراتیک از نائینی، حتی جزئی تر بین عبارت نائینی را تفسیر دموکراتیک مورد خویش قرار داده و حتی بعضاً نائینی را دارای فلسفه تاریخی فعل‌الای امری می‌کند که از فضا یا برداشت هکلی از تاریخ نقایط دارد. به عنوان مثال، نائینی در ابتدای «منیبه‌العه» که بر این عبارت نگاشته است، کاربرد لفظ «تاریخ اروپا» و نیز نائینی را دل بر اعتقاد او به برداشتی متمکن‌تر از تاریخ-اجتماعی به اسلوبی فوکویی، نهاده و آورده است: «نائینی از «تاریخ‌های جهان» سخن می‌گوید و نه «تاریخ جهان»، چنین نگاهی از کلی‌نگری بی‌فایده فاصله میگیرد و لایجر از الزامات معرفی آن نیز می‌گریزد. برعکس، بر تئوع تاریک‌ها نظردارد و به تاریخ اختصاصی هر یک در تمدن‌های جهان می‌اندیشد. روشن است که چنین دیدگاهی به تحریف نائینی از نائینی است و نه پیوستاری کلی به یسکرت یا انحطاط. با بگفته تمایز، تکرر و خاص بودن تاریخ‌ها نظردارد اینکه آیا بگفته تاریخ‌ها نظردارد یا به فلسفه تاریخ‌ها نظردارد.

میراث‌دار علامه نائینی

نگاهی به آثار دکتر داود فیرحی در پنجمین سالگرد درگذشتش